

جامعه‌شناسی و آینده ایران



عباس عبادی
نویسنده و مشاور
هم‌میهن

اگر کسی شک دارد که اداره امور کشور و رقم زدن آینده امیدبخش برای ایران، بدون پذیرش علم به عنوان فصل الخطاب و راهنمای سیاست ممکن است، باید او را از دایره گفت‌وگوی عمومی کنار گذاشت؛ چون هیچ مبنایی برای رسیدن به تفاهم با او وجود نخواهد داشت. البته، خیلی‌ها ادعای علمی بودن را دارند ولی در عمل به آن بی‌توجه هستند. مشکلی که رژیم گذشته به آن مبتلا شد اکنون نیز مشاهده می‌شود. در سال‌های ۱۳۵۳ و ۱۳۵۴ یعنی در اوج قدردستی آن رژیم، مطالعه‌ای جامعه‌شناختی درباره ایران انجام شد؛ مطالعه‌ای که مجموعه‌ای از بهترین پژوهشگران و جامعه‌شناسان آن زمان و ده‌ها نخبه فکری و هنری و علمی در آن شرکت داشتند، برای تحلیل و نقد یافته‌های آن تعدادی از نخبگان و مدیران کشور نشست‌ی چندروزه را در شیراز ترتیب دادند. گزارشی از این پژوهش و نشست را بنده و آقای گودرزی در کتاب «صدایی که شنیده نشد» منتشر کرده‌ام. آن پژوهش نشان می‌داد که زیر پوست جامعه به‌ظاهر قدرتمند شاه جریانی عمیق وجود دارد که بقای آن را تهدید می‌کند. چند تن از دانشمندان به این نکات مهم اشاره کردند ولی تعدادی از مدیران هم بودند که نتایج را مسخره کردند و با تخطئه جامعه‌شناسی و روش‌های غربی! آن گفتند وضع ما خوب است و حتی عالی. آنان دنبال بقای خود بودند؛ ولی سه سال بعد اغلب آنها بار و بنه خود را بسته بودند و راهی غرب شده بودند.

انجمن جامعه‌شناسی ایران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای علمی ایران، دیروز نشست سالانه خود را آغاز کرد و طی دو روز ده‌ها نفر از جامعه‌شناسان و غیرآنان درباره این علم از دو منظر گفت‌وگو و سخنرانی می‌کنند. اول، از حیث توسعه و تعمیق این علم است. مخاطب اصلی این بخش خود جامعه‌شناسان و اهل علم هستند. دوم، نگاه جامعه‌شناسان به وضعیت کنونی و چشم‌انداز آینده ایران است که طبعاً مخاطب عمومی دارد. البته، انتظار نداریم که همه سخنرانان نظر واحدی را بگویند؛ ولی نگاه نزدیک به حقیقت از دل همین تعاملات فکری بیرون می‌آید.

علوم اجتماعی به‌ویژه جامعه‌شناسی سهل و ممتنع است. مثل فیزیک و ریاضی نیست که همه کارشناسان آن علم، پاسخ به نسبت مشترک و یکسانی به یک مسئله بدهند ولی چنان هم نیست که پاسخ‌های اغلب آنان خالی از مشابهت‌های لازم باشد. این سهل و ممتنع بودن، موجب شده که هر کس خود را جامعه‌شناس بداند و درباره آن نظر دهد، بدتر از همه اینکه کوشش زیادی صورت می‌گیرد تا اطلاعات لازم، در دسترس جامعه‌شناسان قرار نگیرد و این باعث تأسف است. زیرا به زبان سیاست‌گذاران است و فهم آنان را از حقیقت دور می‌کند. بی‌تردید باید گفت بدون علم نمی‌توان آینده را ساخت و از بحران‌های کنونی عبور کرد. در این میان، نیاز ما در پذیرش علوم انسانی و اجتماعی از جمله جامعه‌شناسی، اقتصاد، مدیریت، سیاست، حقوق، تاریخ و روابط بین‌الملل بیش از سایر موارد است. امیدواریم که این نشست‌ها منشأ خیر باشد و انتشار نظرات و نتایج آن راهگشایی کند.

مقامات

پیشرفت با انتخابات تناسبی

محمدمباقر قالیباف، رئیس مجلس در اولین همایش هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات شوراهای تأکید بر اینکه ما باید به سمت انتخابات حزبی برویم که تناسبی شدن انتخابات نیز در این راستا است، گفت: «انتخابات تناسبی که فعلاً قرار است در شهر تهران انجام شود باید به تدریج در انتخابات شوراهای کل کشور تسری پیدا کند و در انتخابات مجلس نیز باید جهت‌گیری ما برگزاری انتخابات به شیوه تناسبی باشد؛ البته این به آن معنا نیست که این کار را با عجله انجام دهیم بلکه ایسن کار نیاز به طمأنینه و اقدام تدریجی دارد و لازم است مثلاً ابتدا در مراکز استان برگزار شود و سپس در سایر مناطق برگزار شود، اما اینکه انتخابات به صورت تناسبی برگزار شود در پیشرفت کشور، انسجام مردم، فعالیت‌های مردمی و مشارکت آنها موثر است.» او با بیان اینکه مردم اساس کارآمدی نظام هستند، گفت: «هرکاری که در کشور ناکارآمد شده به خاطر حذف مردم از چرخه کار است در حالی که ما در جایگاه مدیران کشور باید تولی‌گری را به درستی انجام داده اما در امور تصدی‌گری‌نکنیم.»

باید نقد و گفت‌وگو کنیم

گزارشی از افتتاحتیه ششمین همایش «کنکاش‌های مفهومی و نظری درباره جامعه ایرانی»

گروه سیاست: ششمین همایش «کنکاش‌های مفهومی و نظری درباره جامعه ایران» روزگذشته آغاز به کار کرد. این همایش که قرار است در چهار روز برگزار شود پنل‌های مختلفی را در برنامه خود دارد؛ از جمله: «آینده ایران: جامعه و گزینه‌های آشنا؛ چالش مطالعات بین‌رشته‌ای در جامعه‌شناسی ایران؛ توسعه در ایران: روایت‌های نابرابری و امکان‌پذیری؛ آینده ایران: جامعه و حاکمان؛ چالش‌های مفهومی در برخی از فعالیت‌های اجتماعی در نظام آموزش و پرورش ایران و ضرورت بازخوانی آنها؛ افق‌های نظریه‌پردازی در علوم اجتماعی ایران: امکانات، موانع و مسئله‌مندی؛ تحلیل جامعه‌شناسی اقتصادی؛ تحولات و چالش‌ها در ایران معاصر؛ آینده ایران: جامعه فراسوی سیاست؛ دین و مسائل اجتماعی امروز؛ جامعه‌شناسی درمانی؛ پنلی از دیوارهای دانشگاه تا فضای دیجیتال؛ علوم اجتماعی ایران در تغییر؛ پنل تحلیل جامعه‌شناسی اقتصادی ایران: چالش‌ها و تحولات آینده؛ آینده ایران، بحران‌ها و نویدها و...».

در آیین افتتاحیه آن پس از سخنان اعظم صوفیانی، مجری برنامه، پرویز پیران، جامعه‌شناس، سعید معیدفر، رئیس انجمن جامعه‌شناسی ایران، غلامرضا غفاری، رئیس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، عباس کاظمی، جامعه‌شناس و دبیر همایش، مهدی سلیمانی، جامعه‌شناس و دبیر محور ویژه همایش به ایراد سخنرانی پرداختند و نامه رندل کالینز، جامعه‌شناس آمریکایی به همایش نیز قرائت شد. این جلسه به طور مختصر در ادامه می‌آید:

می‌شود. حتی حکومت هم برای التیام‌بخشی از آن، تلاش به زدن مرهم می‌کند اما بدون ریشیایی آن نتیجه‌ای هم ندارد.

۲. فرسوده شدن نهادهای آنچه که در پایداری این نهادها نقش داشت.

۳. فروپاشی اخلاق که دلایل مختلف آن در جامعه و در ادوار مختلف قابل تشخیص است.

۴. سطح تناقض در حافظه جمعی و مهندسی بیگانه در این رویکرد نقش جدی دارد. ۵. تصمیمات واکنشی در تمامی مسائل، حتی شاهد مدیریت واکنشی هم هستیم و در ادامه تبدیل همین مدیریت به مدیریت بحران ناقص. نمونه‌اش مدیریت که در پی زلزله‌هایی مانند بم و آذربایجان و... اتفاق افتاد. در کشوری که حادثه‌خیز است و مستعد رخداد مصیبت جمعی است این موضوع بسیار نگران‌کننده است. در زمان زلزله آذربایجان در ایران نبودم اما مقاله‌ای نوشتم با عنوان «بیهوشی جمعی و بی‌سوادی همگانی» و به این اشاره کردم که ما شاهد تکرار تروماهای این حوادث هستیم؛ همانند همه زلزله‌های قبلی همه ناکارآمدی‌ها در مدیریت و عدم التیام جامعه تکرار شده است.

۶. متأسفانه بهبود نیافتن شرایط به گونه‌ای است که جایگزین امید تنازع بقا شده است، یعنی افراد در جامعه برای زنده ماندن تلاش می‌کنند.

۷. کاهش روابط اجتماعی و عاطفی و گسترش روابط اجتماعی بر مبنای نیاز همه اینها در جامعه شکل می‌گیرد.

۸. از همه مهمتر سودم‌خوری در ارتباط است.

۹. نابودی طبقه متوسط به پایین و شکل‌گیری یک‌شبه طبقه متوسطی که بسیار لمپنیسم رفاری می‌کند، از دیگر نشانه‌های آن است. درباره اندیشه‌ها و پیام‌ها و اندر‌های طبقه متوسط که مدرنیته و دموکراسی است؛ حاملانش یعنی معلمان، اساتید دانشگاه و هنرمندان فرو رفته‌اند. یعنی آنها که آرمان‌های ویژه‌ای داشتند فرو رفتند و جانشین آن گروه‌های دیگر شدند که یکی از آنها همان جماعتی هستند که اصلاً دغدغه معمول را ندارند و حتی مشارکت به ضررشان است. یعنی افرادی جایگزین شدند که ناآگاه به منافع ملی، بی‌توجه به منافع ملی و جمعی و آن خودم‌خوری بیمارگونه‌ای ایرانی که از مشکلات اساسی جامعه ماست در آنها وجود دارد.

۱۰. در نهایت هم می‌بینیم که جامعه ایران یک جامعه تروماتیک شده است. جامعه ایران جزء ۵ جامعه تروماتیک جهان است. دوره فترات، جنگ، نوع روابط با جهان و همسایگان و... همه موجب حرکت ما به این وضعیت شد. مسعود پسر محمود شاه ۲۸ سال می‌جنگد و همه را سرکوب می‌کند که قلمرو پدرش را به دست بگیرد. این یکی از دوره‌های فترات است. سرکوب جامعه به شکل‌گیری جامعه خشونت‌محور منجر می‌شود. حالا خشونت می‌تواند جسمانی، روحی، روانی، محروم کردن، به حساب نیابردن و... باشد. باید تلاش شود این خشونت از جامعه حذف شود و متأسفانه این عقده حقارت در ایرانی دیکتاتیک است و به شدت فورتانه و بدبختانه، التماسی و فلک‌زدگانه است، بازیردست به شدت خشونت‌محور است.

چه باید کرد؟

اول از همه ما نیازمند آن هستیم که جریان خودکاو و خودداری را شکل دهیم. اگر من همه اینها را می‌گفتم در این ۱۵۰ سال دست مهندسین خارجی است. همه می‌گفتند: «نظریه توطئه است». خود آنها هم به این نتیجه رسیده‌اند. الان که اسناد محرمانه بریتانیا منتشر شده است می‌بینیم سه موضوع مطرح شده است:

۱. ثابت کند جامعه ایران نمی‌تواند خود را مدیریت کند و نباید ایران مستقل شود. چون آنها متوجه شده بودند این مستقل شدن ایران به ضررشان است.

۲. جامعه ایرانی تاریخ آن چنانی ندارد.

جامعه لحظه‌ای ما و ضرورت‌های جامعه پایدار

در ۱۵۰ سال گذشته وجود نداشته و فقط لقلقه زبان است و فقط اسم ایران به زبان برده می‌شود. همین بحران را داشتیم و پس از آن آمدم با دانشجویان منابع مختلف را مطالعه کردیم. به عبارتی آمدم ۳۵ یا ۳۶ سوال مطرح کردیم و گفتیم که کتاب‌های مربوطه تاریخی، خاطرات و سفرنامه و... را بخوانید و این سوالات را پاسخ دهید. از سال ۱۳۶۴ این کار شروع شد و تا سال ۱۳۹۱ ادامه پیدا کرد. در این مدت من چندین سال از دانشگاه فاصله گرفتم؛ دوبار منع تدریس شدم، یک بار ۴ سال اخراج شدم و یک بار هم حدود یک سال به نشان اعتراض دانشگاه نرفتم. با این حال ما بررسی را انجام دادیم. (همین جابه‌یک موضوع اشاره کنم که بررسی منابع تاریخی مشکلات عدیده‌ای دارد؛ مثلاً بسیار رنویسی انجام گرفته بدون آنکه ارجاع داده شده باشد و بر همین اساس کار بسیار سخت است) این نوع تحقیقات به شما گستره نگرش می‌دهد و تأثیرات مثبت دیگری هم دارد. به هر حال کار انجام شد و در جمع‌بندی‌ای که انجام دادیم به ۵ گزاره رسیدیم.

۱. نظریه راهبرد و سیاست سرزمینی

۲. نظریه معماری خرد و نظریه معماری کلان

۳. نظریه آبادی

۴. نظریه امتناع جامعه ایران از مشارکت به معنای فنی و تخصصی

۵. نظریه ویژگی‌های شخصیت فردی و جمعی باز مهندسی شده که به نام ایرانیان ثبت شده است.

اینها را که جمع و بررسی کردیم به این رسیدیم که بخشی از مشکل به خاطر مدرنیته است. این را هم بگویم که مدرنیته زبان توسعه است، چیزی نیست که از آن گریز پیدا کنیم و این داستان زندگی همه جوامع امروز است. اما چگونه این راه دست آوریم؟ مقایسه بین کشورهای ترکیه، مالزی، اندونزی و مهمتر از همه ژاپن برای دستیابی به اهداف تحقیق انجام گرفت. درباره اینکه کدام بیشتر موفق شده و چگونه موفق شده است و... در این بین موضوع ارتقا و پیشرفت در حوزه درمان و علم و... تفکیک قوا و ارتش ملی همگی مهم است اما باید به این پاسخ داد که این روند چگونه ادامه پیدا کرد و چرا این پیشرفتی که در کشور آغاز شده بود به این نقطه رسید؟ چرا این ۱۵۰ سال در ایران به گونه‌ای پیش رفت که مرتب دشمنی با آن مطرح می‌شود؟

سرمایه اجتماعی به شدت صدمه دیده است

می‌بینیم در این بازه (از ۱۵۰ سال پیش تا به امروز) نوعی نگاه ایدئولوژیک حاکم می‌شود و کم‌کم مشکلات کشور سر برمی‌آورد. مشکلاتی که بهتر است بگوییم شکاف‌های اجتماعی است. در این مدت بحران‌هایی در همه زمینه‌ها شکل گرفت و به مرور جامعه تار و پود بی‌آینده می‌شود. الان در بسیاری از تحلیل‌ها گفته می‌شود ۷۰ درصد جامعه تلاشش برای بقای روزمره است. سرمایه اجتماعی کاملاً صدمه دیده است؛ به‌ویژه در باره رابطه حکومت با مردم و اعتماد به حداقل رسیده است. این نوع اطلاعات و در کنار آنچه در جامعه در سطح خانواده و... می‌بینیم را اگر در نظر بگیریم جامعه لحظه‌ای مشخص می‌شود.

ویژگی‌های جامعه لحظه‌ای

درباره ویژگی‌های جامعه لحظه‌ای چند مورد را اشاره می‌کنم:

۱. لغو آینده‌نگری، جامعه بی‌آینده دچار زمان آنی و جامعه لحظه‌ای



پرویز پیران
جامعه‌شناس

در ابتدای بحث دو نکته را تأکید می‌کنم اول اینکه به صورت مستند و با داده‌های مختلف می‌توانم ثابت کنم که در تاریخ ایران هرگز شرایط برای توسعه پایدار، زیست محیطی و... مثل دوران حاضر، آماده نبوده است. امکاناتی که ایرانیان در سطح جهان به دست آوردند البته در ایران با همه مشکلات، توانمندی‌هایی که در نسل جدید مشاهده می‌کنیم در کنار ثروتی که ایران در جهان دارد و تخصص و تجربه موجود، امکان این وجود دارد که ایران به بهترین وجه به یک توسعه انسان‌محور و زیست محیطی پایدار برسد و در درجه اول این زخم‌های زیست محیطی را التیام ببخشد. نکته دوم اینکه مادر دوران گذار بسیار پراهمیتی هستیم و این دوران گذار پراهمیت از سلطنت خسرو پرویز تا امروز نقش مهمی در جامعه ایران داشته است و کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در این مسیر زایش ساعات درآوردی برای این زایمان وجود دارد که ناگزیر از تحمل آن هستیم.

ایران خرد جمعی تاریخی‌اش را از دست داده است

حالا درباره جامعه لحظه‌ای که موضوع سخنرانی من است. نکته‌ای که می‌خواهم بگویم این است که اگر کسی به بالاترین درجه از علم و دانش و تجربه روزمره و کاری خودش رسیده باشد؛ وقتی مخصوصاً در شرایط جامعه ایران اثرگذار خواهد بود که به آن تجربه و خرد جمعی اضافه کند اما متأسفانه جامعه ایران در این ۱۵۰ سال گذشته یکی از مشکلاتش این بوده است که نه تنها به خرد جمعی دست پیدا نکرده است بلکه خرد جمعی تاریخی‌اش را نیز در این مدت از دست داده است. با این حرفی که زدم می‌رسم به جامعه لحظه‌ای شاید برای شما سوال باشد که چرا من به جامعه لحظه‌ای رسیدم؟ سال ۱۳۹۴ بود در جلسه‌ای که برای بررسی مسائل اجتماعی ایران برگزار شد، آنجا من اعلام کردم در علائم تشخیص شناسانه به این نتیجه رسیده‌ام که جامعه ایران وارد جامعه لحظه‌ای شده است. بعضی از دوستان آمدند و گفتند که ما فرتیم منابع را نگاه کردیم، این جامعه لحظه‌ای جایی گفته نشده و این عجیب است و من هم گفتم پس بیاییم یک مفهوم بسازیم. البته در غرب هم به جامعه لحظه‌ای اشاره شده است اما به این شکل نبوده است و متنی که شایسته برای این مفهوم باشد، وجود ندارد.

تحقیقی برای شناخت جامعه ایران

در این مفهوم من سه بخش را می‌خواهم توضیح دهم؛ ۱- چگونه به جامعه لحظه‌ای رسیدیم؟ ۲- جامعه لحظه‌ای چیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟ ۳- چه باید بکنیم؟ سال‌ها پیش وقتی من در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران درس می‌دادم، جلسه دوم با سوم، احساس کردم نمی‌توانم درس بدهم؛ از درون این حس برای من ایجاد شده بود. من درس را به خوبی بلد بودم ولی از خودم می‌پرسیدم جامعه ایران چرا نتوانسته؟ بعد که بررسی کردم متوجه شدم. ایران